

**Citizenship Education and History Education
« (Case Study: The Wars of the Prophet Muhammad (PBUH) »**

Parvaneh Farhad¹, Nazari-e-Ilkhaniabad Tahereh²

Abstract

From the perspective of citizenship education, war and peace, as two sides of the coin of social life, have been a reflection of a comprehensive approach to managing social diversity and resolving conflicts in the Prophet's life. By formulating pacts such as the "Pact of Brotherhood" and creating a political system based on religious, ethnic, and tribal diversity, the Prophet of Islam (PBUH) has presented a sustainable model of citizenship based on mutual rights and duties. These measures not only led to social cohesion and strengthening collective identity, but also institutionalized concepts such as justice, understanding, and respect for others in the form of an educational system. The main research question was to answer this question: How and what role and effect does the study and explanation of the wars of the Holy Prophet (PBUH) play in the concept of citizenship education and history education? This research, with a descriptive-analytical approach and based on library resources, has examined citizenship education and history education in the life of the Prophet and his wars. In order to achieve the main goal of the research, which is to analyze the criticisms of orientalists in the context of the wars of the Prophet (PBUH) and explain its connection with the concepts of citizenship education in a historical and religious context. That the Prophet's (PBUH) wars within the framework of jihad were not only a means to achieve religious and moral goals, but also provided a platform for teaching the principles of citizenship, peaceful coexistence, and the creation of a coherent and sustainable society. This approach is considered a practical model for teaching history and strengthening citizenship education in contemporary societies. The Prophet (PBUH), relying on the Holy Quran as a roadmap, was able to build a society based on the principles of justice, peace, and social solidarity. This society has presented an outstanding model of active and responsible citizenship within the framework of moral and religious norms.

Key words: Citizenship education; History education; Wars of the Holy Prophet (PBUH); Orientalists.

¹ Corresponding Author, Email: farhad.parvaneh@cfu.ac.ir

² tahherehnazari@yahoo.com

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی-تخصصی پژوهشی در آموزش تاریخ

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

<https://historyedu.cfu.ac.ir>

شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۲۱۵۵

شاپای چاپی: ۱۰۱۴-۲۸۲۱

تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

صفحه ۱-۱۴

DOI: 10.48310/RHE.2025.4210

تربیت شهروندی و آموزش تاریخ «مطالعه موردی: جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)»

فرهاد پروانه^۱، طاهره نظری ایلخانی آبادی^۲

استادیار و عضو هیات علمی گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران
دانشجوی دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

چکیده

از منظر تربیت شهروندی، جنگ و صلح به عنوان دو روی سکه زیست اجتماعی، در سیره نبوی بازتابی از یک رهیافت جامع‌نگر به مدیریت تنوعات اجتماعی و حل تعارضات بوده است. پیامبر اسلام (ص) با تدوین پیمان‌هایی همچون «پیمان برادری» و ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر تنوعات مذهبی، قومی و قبیله‌ای، الگویی پایدار از شهروندی مبتنی بر حقوق و تکالیف متقابل ارائه کرده است. این اقدامات، نه تنها به انسجام اجتماعی و تقویت هویت جمعی منجر شد؛ بلکه مفاهیمی همچون عدالت، تفاهم و احترام به دیگری را در قالب یک نظام تربیتی نهادینه ساخت. مسئله اصلی پژوهش پاسخ به این سؤال بوده است: مطالعه و تبیین جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) چگونه و چه نقش و تأثیری در مفهوم تربیت شهروندی و آموزش تاریخ ایفا می‌کنند؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، به بررسی تربیت شهروندی و آموزش تاریخ در سیره نبوی و جنگ‌های آن حضرت پرداخته است. تا به هدف اصلی پژوهش که تحلیل انتقادات مستشرقان در زمینه جنگ‌های پیامبر (ص) و تبیین پیوند آن با مفاهیم تربیت شهروندی در بستر تاریخی و دینی است، دست پیدا کند. نتایجی که از این پژوهش حاصل شد: شامل جنگ‌های پیامبر (ص) در چارچوب جهاد، نه تنها ابزاری برای تحقق اهداف دینی و اخلاقی بودند؛ بلکه بستری برای آموزش اصول شهروندی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد یک جامعه منسجم و پایدار فراهم کردند. این رویکرد، الگویی کاربردی برای آموزش تاریخ و تقویت تربیت شهروندی در جوامع معاصر محسوب می‌شود. پیامبر اکرم (ص) با تأسی به قرآن کریم به عنوان نقشه راه، توانست جامعه‌ای مبتنی بر اصول عدالت، صلح و همبستگی اجتماعی بنا نهد. این جامعه، الگویی برجسته از شهروندی فعال و مسئولانه را در چارچوب هنجارهای اخلاقی و دینی ارائه داده است.

کلید واژه‌ها: تربیت شهروندی، آموزش تاریخ، جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)، مستشرقان.

^۱ رایانامه نویسنده مسئول: farhad.parvaneh@cfu.ac.ir

^۲ tahherehnazari@yahoo.com

۱. مقدمه

برخی منتقدان اسلام در سال‌های اخیر با برجسته‌سازی جنگ‌های صدر اسلام تلاش کرده‌اند در میراث معنوی پیامبر اسلام (ص) تردید ایجاد کنند. پاسخ به این انتقادات معمولاً از منظر آموزه‌های اسلامی یا مقایسه با زندگی پیامبران دیگر مانند موسی، عیسی و داوود صورت گرفته‌است. در برخی آثار نیز به بررسی تاکتیک‌های جنگی پیامبر پرداخته شده‌است. با این حال، تحلیل جنگ‌های صدر اسلام از دیدگاه علوم اجتماعی و راهبردی، در زبان فارسی کم‌تر دیده شده‌است. کتاب «جنگ و صلح در حقوق اسلام» نوشته مجید خدوری که در سال ۱۹۵۵ تألیف شده و توسط غلامرضا سعیدی ترجمه شده‌است، از جمله آثار برجسته‌ای است که به این موضوع می‌پردازد. در این کتاب، جنگ و صلح به عنوان دو جنبه مهم زندگی اجتماعی مطرح شده‌اند که هر دو برای تأمین آرامش و ثبات به کار می‌روند. این دیدگاه در آموزه‌های اسلامی نیز تأکید شده‌است؛ به‌ویژه در آیه «خذوا حذرکم» (نساء، ۱۰۴) که به احتیاط و آمادگی در برابر خطرات اشاره دارد. همچنین در ادبیات فارسی آمده‌است: «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد». این اصول نشان می‌دهند که آمادگی برای دفاع، پیش‌نیاز دستیابی به صلح پایدار است؛ چنانکه گفته شده: «اگر صلح می‌خواهی، برای جنگ آماده باش» (خدوری، ۱۳۳۵: ۱۸۲). از منظر واقع‌گرایی، روابط اجتماعی و سیاسی اغلب ناپایدار و تابع شرایط متغیر هستند؛ بنابراین، هدف اصلی باید بقای جامعه باشد و صلح یا جنگ بر اساس منافع جمعی انتخاب شود. خواجه نظام‌الملک در «سیاست‌نامه» تأکید می‌کند که در تعامل با دشمن و دوست باید همواره راهی برای صلح و آمادگی برای جنگ باقی بماند (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۴۱).

این موضوعات در تربیت شهروندی و آموزش تاریخ اهمیت ویژه‌ای دارند. آموزش تاریخ باید فراتر از بیان رویدادها باشد و زمینه‌ای برای پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان فراهم کند. در این فرایند، مفاهیمی مانند آمادگی، هوشیاری و تصمیم‌گیری براساس منافع جمعی می‌توانند نقش مهمی در تربیت شهروندانی مسئولیت‌پذیر و آگاه داشته باشند. درک مفاهیم دوگانه‌ای مانند دوستی و دشمنی، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، و تأثیر آنها بر رفتار فردی و اجتماعی، از دیرباز محور اندیشه‌های بشری بوده‌است. در کتاب کلیله و دمنه آمده‌است که دوستی‌ها و دشمنی‌ها همواره ثابت نیستند و به تغییرات زمان و شرایط بستگی دارند. این نگاه، در سیاست نیز منعکس شده‌است؛ جایی که «منافع» به عنوان عنصر پایدار شناخته می‌شود. گلدستون، سیاستمدار بریتانیایی نیز بر این باور بود که در سیاست، دوستی‌ها و دشمنی‌ها همیشگی نیستند؛ بلکه منافع هستند که دوام دارند (رجایی، ۱۳۷۲: ۳۴). در نظریه‌های راهبردی معاصر، مفهوم بازدارندگی همین دیدگاه را منعکس می‌کند. بازدارندگی به معنای متقاعد کردن طرف مقابل است که هزینه‌های یک اقدام بیشتر از منافع آن است. هرچند بازدارندگی هسته‌ای در دهه‌های اخیر برجسته شده، اما این مفهوم پیشینه‌ای طولانی دارد و همچنان به عنوان یکی از مؤثرترین نظریه‌ها در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود (دوئری و فاتزگران، ۱۳۷۶: ۵۹۵). در بررسی رفتارهای انسانی نیز دو دیدگاه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی نقش مهمی ایفا می‌کنند. آرمان‌گرایان بر عدالت، اخلاق، قانون‌مداری و حقوق بشر تأکید دارند و سیاست را هنر حکومت خوب می‌دانند، در حالی که واقع‌گرایان بر قدرت تمرکز کرده و سیاست را هنر بقا معرفی می‌کنند (جهانگلو، ۱۳۷۸: ۴۲؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۹۹۱). واقع‌گرایان معتقدند که محدودیت‌ها و شرایط محیطی نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار و تصمیم‌گیری انسان دارند و بر همین اساس، سه رویکرد اصلی در مسائل راهبردی شامل دفاع‌محوری، جنگ‌محوری، و صلح‌محوری شکل گرفته‌است. این مفاهیم در تربیت شهروندی و آموزش تاریخ اهمیت ویژه‌ای دارند. آموزش تاریخ باید به دانش‌آموزان کمک کند تا تغییرپذیری روابط انسانی و نقش شرایط محیطی در تصمیم‌گیری‌ها را درک کنند. از طریق این آموزش، دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه درک متقابل، توجه به منافع جمعی، و توازن میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی می‌تواند در زندگی

اجتماعی و سیاسی آنها مؤثر باشد. مطالعه و پژوهش درباره تاریخ، فرهنگ، سیاست، و دیگر جنبه‌های شرق، موضوعی است که از دیرباز مورد توجه قرار گرفته‌است. این مطالعات که در زبان فارسی به خاورشناسی و در انگلیسی به شرق‌شناسی شناخته می‌شود، توسط پژوهشگران غربی در دوره‌های مختلف تاریخی انجام شده‌است. براساس دیدگاه ادوارد سعید، شرق‌شناسی به معنای تلاش برای تدریس، نوشتن و پژوهش پیرامون شرق است، خواه در حوزه انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا تاریخ (سعید، ۱۳۷۱: ۱۵). همسوی با این شرق‌شناسی که در زبان فارسی خاورشناسی و در زبان عربی استشرق و در انگلیسی خوانده می‌شود، مطالعه و پژوهش درباره تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد و.... همه جنبه‌های مربوط به شرق است. از نظر ادوارد سعید: «تعریف شرق‌شناسی آن است که براساس آن هرکس که به تدریس، نوشتن و پژوهش پیرامون شرق بپردازد، چه انسان‌شناسی باشد و چه جامعه‌شناسی و یا تاریخ، شرق‌شناسی خواهد بود.» (سعید، ۱۳۷۱: ۱۵؛ السعدی، ۱۴۲۶: ۲۳۸؛ عبدالرؤف، بی تا: ۳).

شرق‌شناسان مدعی‌اند که پژوهش‌های آنان با رویکردی عینیت‌گرا زوایای پنهان فرهنگ و تاریخ شرق را آشکار کرده‌است؛ زوایایی که به باور آنها، خود شرقیان توانایی درک آن را نداشته‌اند. این ادعاها و یافته‌ها، به‌ویژه در موضوعات حساسی مانند سیره پیامبر اسلام (ص)، نیازمند بررسی دقیق و نقد علمی است. یکی از موضوعات مهم در این زمینه، تحلیل جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) و اهداف آنهاست. برخی شرق‌شناسان با رویکردی منصفانه، جنگ‌های عصر پیامبر را امری ضروری برای بقای اسلام دانسته‌اند، در حالی که گروهی دیگر اهداف این جنگ‌ها را به‌طور نادرست، با انگیزه‌های مادی و خشونت‌طلبی تفسیر کرده‌اند.

این تحلیل‌ها را می‌توان در سه رویکرد اصلی جای داد:

- ≠ تبیین جامعه‌شناختی: بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جنگ‌ها.
- ≠ تبیین حقوقی و سیاسی: تحلیل قوانین و دلایل سیاسی مرتبط با جنگ‌ها.
- ≠ تبیین دینی: مطالعه اهداف معنوی و اعتقادی پیامبر در برخوردهای نظامی.

در آموزش تاریخ و تربیت شهروندی، ضروری است این موضوعات به‌گونه‌ای طرح شوند که دانش‌آموزان توانایی تحلیل انتقادی و درک چندجانبه از رویدادها را بیاموزند. این رویکرد، علاوه بر تأکید بر شفافیت تاریخی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیمی مانند عدالت، همزیستی و درک متقابل را درک کرده و به‌عنوان شهروندانی آگاه و مسئول در جامعه نقش‌آفرینی کنند.

این پژوهش با بررسی جنگ‌های پیامبر (ص) در پرتو نظریه‌های تربیتی و اجتماعی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که مطالعه و تبیین جنگ‌های پیامبر اکرم(ص) چگونه و چه نقش و تأثیری در مفهوم تربیت شهروندی و آموزش تاریخ ایفا می‌کنند؟ و سیره نبوی در این زمینه چگونه می‌تواند الگویی برای تقویت تربیت شهروندی، آموزش تاریخ و دستیابی به صلح پایدار ارائه دهد؟

۱-۱. پیشینه تحقیق: مؤسسات علمی متعددی و افراد بسیاری در سال‌های اخیر، به موضوع غزوات پیامبر اکرم(ص)، زندگانی رسول اکرم(ص)، تربیت شهروندی از جهات مختلف و ... پرداخته‌اند و پژوهش‌های مختلف زیادی در این زمینه‌ها به نگارش درآمده‌است و هرکدام نیز در جایگاه خود دارای ارزش علمی می‌باشند، اما هیچ‌کدام از پژوهش‌ها، آموزش تاریخ و تربیت شهروندی را با تکیه بر جنگ‌های زمان پیامبر اکرم(ص) را بصورت اختصاصی مورد بررسی قرار نداده‌اند، و تحقیق مشابهی در این مورد صورت نگرفته‌است که در نوع خود دارای نوآوری می‌باشد و به نظر می‌رسد که می‌تواند پایه‌گذار تحقیقات مشابهی در آینده باشد.

۲. مبانی نظری پژوهش

تبیین‌ها و رویکردهای مختلف از جنگ‌های پیامبر اکرم (ص):

۱-۲. تبیین جامعه‌شناختی از جنگ‌های پیامبر (اجتماعی و فرهنگی) با تأکید بر تربیت شهروندی و آموزش

تاریخ

با توجه به تربیت شهروندی و آموزش تاریخ، می‌توان به نکاتی اشاره کرد که موضوع جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) را در چارچوبی جامع‌تر و با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و تاریخی زمانه بررسی کند. هدف این بازنویسی، ارتقاء فهم دانش‌آموزان از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی این جنگ‌ها و تشویق به تأمل درباره نقش ارزش‌های انسانی، عدالت و صلح در تاریخ و جامعه است. مطالعه جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) نیازمند رویکرد جامعه‌شناختی است؛ به این معنا که این وقایع باید در بستر اجتماعی و تاریخی زمان خود بررسی شوند. در سال‌های پیش از هجرت، شرایط اجتماعی مدینه نشان‌دهنده نیاز به رهبری قدرتمند و تشکیل یک نظام مرکزی برای تأمین امنیت و ثبات بود. پژوهشگرانی نظیر طه حسین اشاره کرده‌اند که مدینه پیش از هجرت پیامبر (ص) در آستانه شکل‌گیری یک حکومت بود، اما فقدان یک رهبر مؤثر این فرایند را به تأخیر انداخته بود. پیامبر اسلام (ص) با ایجاد وحدت و نظم، توانست این خلأ را پر کند و یک دولت اسلامی بنیان نهد (طه حسین، بی‌تا، ۱۳).

در جامعه عرب پیش از اسلام، جنگ‌ها اغلب کوتاه‌مدت و مبتنی بر غارت یا انتقام‌جویی بودند. این شیوه جنگ‌ها در نبود یک نیروی مرکزی ریشه داشت که بتواند امنیت را تأمین کند، به‌ویژه در زمان قحطی و خشکسالی که زندگی به بی‌نظمی کشیده می‌شد. پیامبر اسلام (ص) از یک سو مسلمانان را به صلح و پرهیز از جنگ داخلی دعوت کرد (حجرات: ۹-۱۰) و از سوی دیگر تلاش کرد تا مهارت جنگ‌آوری عرب‌ها را در خدمت اهداف انسانی و الهی مانند برپایی عدالت و دفاع از جامعه اسلامی به کار گیرد.

۱-۱-۲. جنگ‌های پیامبر (ص) در راستای اهداف جامعه‌ساز

جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) از نگاه تاریخی می‌توانند به دو دسته کلی تقسیم شوند: جنگ‌های تدافعی و پیشگیرانه. جنگ بدر، که نخستین نبرد بزرگ مسلمانان با قریش بود، به منظور مقابله با تهدیدات اقتصادی و امنیتی قریش و در پاسخ به سال‌ها آزار و اذیت مسلمانان توسط آن‌ها انجام شد. این جنگ را می‌توان با مفهومی امروزی، نوعی دفاع پیشگیرانه دانست. جنگ احد و خندق نیز نمونه‌های روشنی از جنگ‌های تدافعی بودند که در پاسخ به حملات قریش و متحدانشان انجام شدند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۷، ۳۴). برخی از محققان غربی، مانند ویلیام مونتگمری وات و توماس آرنولد، جنگ‌های پیامبر (ص) را بیشتر بر اساس نیازهای مادی مسلمانان تحلیل کرده‌اند (وات، ۱۳۷۱: ۱۱ و ۳۱۷؛ لاپیدوس، ۱۳۸۷: ۷۶). آن‌ها معتقدند که این جنگ‌ها به دلایل اقتصادی و برای تأمین معاش مهاجرین و انصار صورت گرفته است. این دیدگاه‌ها بر این نکته تأکید دارند که شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی، پیامبر را وادار به اتخاذ سیاست‌هایی برای تأمین امنیت و رفاه جامعه نوپای اسلامی کرد (شوقی، ۱۳۵۵، ۳۹۵).

۲-۱-۲. نقش پیامبر (ص) در ایجاد نظم اجتماعی

پیامبر اسلام (ص) با بهره‌گیری از تفکر جهاد، توانست انرژی و پتانسیل جنگ‌آوری اعراب را در جهت وحدت‌بخشی و ساخت یک جامعه با نظم و اهداف مشترک هدایت کند. این رویکرد باعث شد جنگ‌ها از اهداف صرفاً قبیله‌ای و غارتگرانه به اهدافی والاتر همچون برقراری عدالت و حفاظت از جامعه اسلامی تغییر یابد (جان‌احمدی ۱۳۸۸: ۷۸). برخی پژوهشگران، بر این باورند که حتی در شرایطی که جنگ اجتناب‌ناپذیر است، باید اصولی اخلاقی و انسانی در آن رعایت شود. این دیدگاه نشان می‌دهد که تفکر پیامبر اسلام (ص) در مواجهه با جنگ، برخاسته از منطق دولت‌سازی و ملت‌سازی بود که تأمین امنیت و عدالت را در اولویت قرار می‌داد (کوستر، ۱۳۸۱، ۱۴۶؛ احمدالعلی، ۱۳۸۵، ۱۹۱-۱۹۰؛ کلی، ۱۳۸۲، ۳۶۲). بررسی جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد که این وقایع نه تنها به دلایل مذهبی و اجتماعی؛ بلکه برای

ایجاد ساختاری پایدار در جامعه عرب آن زمان انجام شده‌است. آموزش این موضوع به دانش‌آموزان می‌تواند به آن‌ها بیاموزد که درک درست تاریخ نیازمند توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر دوره است و ارزش‌هایی نظیر عدالت، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز باید همواره در اولویت باشند.

۲-۲-۲. تبیین حقوقی-سیاسی (تحلیل قوانین) از جنگ‌های پیامبر با تأکید بر تربیت شهروندی و آموزش تاریخ
تأکید بر تحلیل حقوقی-سیاسی روابط پیامبر اسلام (ص) و اقدامات ایشان در زمینه تأمین نظم اجتماعی-سیاسی، می‌تواند به عنوان متنی آموزشی برای تبیین مفهوم «تربیت شهروندی» در بستر اسلامی و تاریخی استفاده شود، تربیت شهروندی در سیره پیامبر اسلام (ص) شامل موارد زیر است:

۲-۲-۱. پایه‌گذاری نظم اجتماعی و سیاسی

یکی از اقدامات برجسته پیامبر اسلام (ص) در مدینه، تنظیم توافق‌نامه‌هایی بود که روابط میان مسلمانان، یهودیان و قبایل مختلف را سامان می‌داد. این اسناد که به نوعی اولین قانون اساسی مدون در تاریخ تلقی می‌شود (حمیدالله، ۱۳۵۶: ۹-۶)، نقش مهمی در ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز داشت. پیامبر در این توافق‌نامه‌ها قواعدی برای حقوق شهروندان، اسکان مهاجران، تفاهم با غیرمسلمانان و دفاع نظامی از شهر تعیین کرد.

۲-۲-۲. مفهوم قرارداد اجتماعی در اسلام نخستین

در سیره پیامبر (ص)، بیعت عقبه و توافقات مدینه را می‌توان مصادیقی از قرارداد اجتماعی دانست که اساس تشکیل دولت مدنی و اسلامی بود. این رویکرد، برخلاف نظام‌های قبیله‌ای آن زمان، نظم و انسجامی فراتر از تعلقات قومی ایجاد کرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری «ملیت اسلامی» شد (طه حسین، همان، ۱۳).

۲-۲-۳. اخلاق و دعوت در سیاست و جنگ

پیامبر اسلام (ص) در تمام جنگ‌ها، حتی در مواجهه با دشمنان، دعوت به اسلام و رعایت اصول اخلاقی را مقدم می‌دانست. به سپاهیان خود سفارش می‌کرد که حرمت زنان، کودکان و غیرنظامیان را حفظ کنند و از هرگونه مثله کردن اجتناب ورزند (مقریزی، ۱۴۰۱: ج ۹، ۲۲۲؛ منقری، ۱۳۷۰: ۲۷۹؛ یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ۷۷). این دیدگاه، جنگ را ابزاری دفاعی و ضروری برای تحقق عدالت و امنیت می‌دانست.

۲-۲-۴. روابط بین‌المللی و ارسال نامه‌ها به سران کشورها

یکی دیگر از جلوه‌های تربیت شهروندی و دعوت پیامبر (ص)، ارسال نامه‌هایی به سران کشورهای جهان بود. این نامه‌ها، ضمن تأکید بر پیام جهانی اسلام، تعامل مسالمت‌آمیز و دعوت به همکاری را مورد توجه قرار می‌دادند (مجلسی، ج ۲۰، ۳۸۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۴، ۳۰۶؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۳۱۶).

۲-۲-۵. همزیستی و رعایت حقوق غیرمسلمانان

پیامبر اکرم (ص) با تنظیم توافق‌نامه‌هایی با یهودیان مدینه، زمینه را برای همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم آورد. در این اسناد، حقوق و وظایف متقابل طرفین مشخص شد. خیانت برخی قبایل یهودی به این توافق‌نامه‌ها، اقدامی علیه امنیت ملی محسوب شد و پیامدهای سیاسی و نظامی خاص خود را به دنبال داشت. با وجود آن که دعوت پیامبر اعظم (ص) قبلاً به یهودیان خیبر رسیده بود حضرتش سه روز سفیران و دعوت‌گران خویش را به نزد آنان فرستاد تا آنان را مجدداً به اسلام فراخوانند (ابن هشام، ۱۹۷۸: ج ۳، ۲۱۶). پیامبر این سخن را در فتح مکه که امروز، روز انتقام است را رد و تصریح فرمود امروز، روز رحمت است (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۲۱). این امر بر اهمیت دعوت به اسلام نقش پر رنگی دارد (کاشف الغطاء، بی‌تا: ج ۲، ۳۹۵).

۶-۲-۲. نقد مستشرقان و دفاع از عملکرد پیامبر (ص)

در سده نوزدهم و بیستم، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، همچون دو مکتب، در برابر یکدیگر به تبیین مواضع و رویکردهای خویش پرداخته‌اند. رهیافت آرمان‌گرایی، رهیافت واقع‌گرایی را به سرشت انسان بدبین دانسته و خودخواهی و کوتاه‌فکری انسان را نفی می‌کند. آرمان‌گرا، سیاست را «هنر حکومت خوب می‌داند، در حالی که واقع‌گرا، سیاست را «هنر کهن» می‌انگارد. آرمان‌گرا بر عدالت، اخلاق، پیروی از قانون و حقوق بشر و در برابر آن، واقع‌گرا بر قدرت پای می‌فشارد. آرمان‌گرا، تمدن‌ها را نتیجه هم‌زیستی جامعه‌ها در نظامی قانون‌مند می‌انگارد و خشونت و زور را ابزاری ناپسند برای پیشبرد هدف‌های سیاسی معرفی می‌نماید (بیلیس و بوث و دیگران، ۱۳۷۳، ۱۴؛ جهانپنگلو ۱۳۷۸، ۴۲؛ کاظمی، ۱۳۷۶، ۹۹۱). یک عنصر تعیین‌کننده در رفتار واقع‌گرا، محیط عمل و کنش یک کنشگر است؛ بنابراین برخی از مستشرقان دستور جهاد از سوی پیامبر اکرم (ص) را پاسخی می‌دانند به روحیه جنگ‌طلبی و غارتگری که در وجود تازه مسلمانان حجاز وجود داشت. مؤلف «فصل زندگی پیامبر» در تاریخ اسلام کمبریج در تحلیل خود از جهاد می‌نویسد: «غزوه و جمع آن مغازی، عادت پیشه مردم عرب چادر نشین، در واقع، نوعی ورزش محسوب می‌شد. قبل از اسلام، معمول‌ترین هدف این جنگ‌ها ربودن گوسفند و شتر گروه‌های معارض بود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸: ۸۲). وی سپس با اشاره به شماری از جنگ‌های صدر اسلام می‌نویسد: «بسیاری از صحراگردان و شهرنشینان به دلایل سیاسی و یا غیردینی همچون انگیزه جمع‌آوری غنائم، به این دولت پیوستند» (همان، ۹۱) وی سپس ادامه می‌دهد: «او (محمد)، طبیعتاً خواهان آن بود که پیروانش با هم، در صلح و صفا زندگی کنند، اما از آنجا که توان اعراب، بیشتر در جنگ‌های ضد دیگر قبایل صرف می‌شد، باید جایگزینی پیدا می‌شد تا این انرژی صرف آن گردد. این جایگزینی از پیش در مفهوم جهاد یا جنگ مقدس نهفته بود. امری که اساساً شامل یک غزوه بود و کسب غنائم نیز در برمی‌گرفت» (همان). و در جای دیگر با عنوان دست‌آورد محمد (ص) می‌نویسد: «به منظور جلوگیری از متلاشی شدن جامعه، آن هم به سبب قدرت جنگ افروزانه آنان، پیامبر تفکر جهاد را مطرح کرد» (همان، ۹۸). برخی از مستشرقان، هدف از غزوات پیامبر را پاسخ به اقدامات قریش و تلاش برای تأمین امنیت مسلمانان می‌دانند. آنان با رد اتهام جنگ‌طلبی، جنگ‌های پیامبر را دفاعی و ضروری برای حفظ اسلام و مسلمانان ارزیابی کرده‌اند (دیون پورت، ۱۳۴۴: ۱۵۷-۱۵۶؛ بودلی، ۱۳۲۶: ۴۱۳). م. ساواری، مستشرق فرانسوی، با رد ادعای جنگ‌طلبی پیامبر اسلام (ص)، از جهاد مسلحانه آن حضرت دفاع کرده و نوشته‌است که پیامبر هرگز جنگ را ترجیح نمی‌داد و تا حد امکان از آن اجتناب می‌کرد. او تنها زمانی به جهاد مسلحانه روی می‌آورد که تعصب‌های جاهلانه و مخالفت‌های سرسختانه مانع از تأثیرگذاری منطق و زبان نیرومند اسلام می‌شد. در شرایطی که مخالفان، همچون کفار و یهودیان، با کارشکنی و تهدید به آبرو و شرافت مسلمانان آسیب می‌رساندند، جهاد به‌عنوان راه حلی ضروری انجام می‌شد. ساواری معتقد است که در هر عصر و زمانی دفاع از عقیده و ایمان شایسته و پسندیده است و جهاد پیامبر برای دفاع از مسلمانان در راه خدا، جهادی انسانی بود (م. ساواری، ۱۳۴۹: ۷۴). آر. اف. بودلی نیز در دفاع از پیامبر اسلام (ص) و رد تهمت جنگ‌طلبی، به‌روشنی بیان می‌کند که انتقادهای مربوط به جنگ‌طلبی پیامبر از نگاهی ناقص به تاریخ سرچشمه می‌گیرد. او اشاره می‌کند که جنگ‌های دینی تنها به اسلام اختصاص ندارد و مذاهب و ادیان دیگر نیز در طول تاریخ جنگ‌هایی مشابه را تجربه کرده‌اند. بودلی تأکید می‌کند که پیامبر اسلام (ص) تشنه خون‌ریزی نبود و برای اسیران آزادی انتخاب می‌گذاشت؛ یا پرداخت جزیه، یا پذیرش اسلام. (خوئینی، ۱۳۷۰: ۲۰۹؛ بودلی، همان، ۴۱۳). این نگاه نشان می‌دهد که جنگ‌های پیامبر به‌جای خشونت‌طلبی، پاسخی به شرایط زمانه و ضرورت‌های اجتماعی و اعتقادی بود. این رویکرد می‌تواند نقش مهمی در تربیت شهروندانی آگاه، مسئولیت‌پذیر و اهل گفت‌وگو داشته باشد. از طرفی «مسأله جنگ و صلح» از حقوق مسلم و مقدم قدرت مرکزی شمرده می‌شد و امکان نداشت که یک قسمت در صلح یا جنگ وارد شود، درحالی که دیگران خارج باشند (حمیدالله‌بی تا: ۴۷). رویکرد جنگ محور، جنگ را ادامه سیاست، ولی با روش‌ها و ابزاری دیگر دانسته و آن را یکی از روش‌های سریع دست‌یابی به امنیت یا گسترانیدن آن می‌داند (استیرن، ۱۳۸۱،

۲۵-۱۵؛ بشیریه، ۱۳۷۹، ۴۳؛ ادیبی، ۱۳۸۱، ۷). سیر | پیامبر اسلام (ص)، الگوی برجسته‌ای از تربیت شهروندی، همزیستی مسالمت‌آمیز و رعایت اخلاق در روابط اجتماعی-سیاسی است. این آموزه‌ها، با تأکید بر عدالت، دعوت و احترام متقابل، نقش مؤثری در شکل‌گیری جامعه‌ای عادلانه و پایدار ایفا کرده‌اند. در زمینه تربیت شهروندی و آموزش تاریخ، این تحلیل‌ها فرصتی فراهم می‌آورند تا دانش‌آموزان مفهوم دفاع از عقیده و ایمان را با نگاهی تاریخی و انسانی درک کنند. آموزش تاریخ باید به گونه‌ای باشد که جوانان را با پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی آشنا کند و آنان را به فهم عمیق‌تر از ضرورت‌های اجتماعی، فرهنگی، و دینی هدایت نماید.

۲-۳. تبیین دینی (اهداف معنوی و اعتقادی) از جنگ‌های پیامبر با تأکید بر تربیت شهروندی و آموزش تاریخ

جنگ در اندیشه دینی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و تحت عنوان «جهاد» معنا و مفهوم پیدا می‌کند. از دیدگاه قرآن و سنت نبوی، جهاد به‌عنوان تلاشی برای حفظ و گسترش ارزش‌های الهی شناخته می‌شود. این تلاش در دو نوع دفاعی و تهاجمی (جهاد ابتدایی) نمود می‌یابد و هدف اصلی آن پاسداری از حقوق انسانیت و تأمین عدالت الهی است. جهاد، به‌ویژه در معنای دفاعی آن، پاسخی به تهدیدها و تجاوزهای دشمنان محسوب می‌شود؛ اما در سطح بالاتر، جهاد ابتدایی با هدف گسترش ارزش‌های الهی در راستای هدایت انسان‌ها به سوی حقیقت انجام می‌گیرد. در این زمینه، مولانا مودودی می‌گوید: «بزرگ‌ترین فداکاری در راه تأمین حقوق انسانیت، وظیفه‌ای است که شخص مسلمان در موقع جهاد برعهده می‌گیرد... قواعد اسلام حکم می‌کند که برای دفع مفسده بزرگ‌تر، زیان کوچک‌تر تحمل شود.» (مودودی، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۴۱). این نگرش بر پایه آموزه‌های قرآنی، جان‌مایه‌ای اخلاقی و معنوی دارد که به مسلمانان دستور می‌دهد حتی در جنگ نیز از حد انصاف و اخلاق عدول نکنند. قرآن کریم در این زمینه تصریح می‌کند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰) به این معنا که جنگ تنها در برابر کسانی مجاز است که با شما دشمنی و جنگ را آغاز کرده‌اند و تجاوز از این حد، ناپسند و برخلاف تعالیم الهی است. خاورشناسان اغلب با برداشت‌های سطحی و غیرمستند، جنگ‌های صدر اسلام را به‌طور یک‌سویه هجومی تلقی کرده‌اند. این رویکرد با واقعیت‌های تاریخی و آموزه‌های قرآن ناسازگار است. آنان در تفسیر انگیزه‌های مسلمانان از جنگ، زمینه‌ها و شرایط زمانی و مکانی را نادیده گرفته و به‌جای تحلیل عمیق، اهداف تبلیغاتی را دنبال کرده‌اند. در تدریس تاریخ و تربیت شهروندی، ضروری است که دانش‌آموزان با ماهیت جهاد و جنگ در اسلام از منظر قرآن و سیره نبوی آشنا شوند. این آگاهی می‌تواند درک بهتری از مفاهیم عدالت، حقوق بشر، و صلح در اسلام به آنان ارائه دهد و آنان را به شهروندانی آگاه، متفکر، و مسئول تبدیل کند.

۱-۲-۳. دلایل دفاعی بودن جهاد از منظر قرآن

جهاد در اسلام، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، ابزاری برای دفاع از حقوق انسان‌ها، حفظ امنیت و کیان اسلام و مسلمانان است. این مسئله در آیات متعددی از قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از دلایل مهم دفاعی بودن جهاد، محدودیت‌های تعیین‌شده برای تقویت نیرو و تجهیزات نظامی است.

۲-۲-۳. محدودیت نیرو و تجهیزات نظامی

قرآن کریم، افزایش قدرت نظامی و تهیه تجهیزات جنگی را در چارچوب مشخصی قراردادده است. براساس آیه شریفه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (سوره انفال، آیه ۶۰) این آیه نشان می‌دهد که هدف از تدارک تجهیزات نظامی، نه نابودی مردم جهان و ویرانی زمین؛ بلکه ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان اسلام و جلوگیری از طمع آنان به جان، مال و دین مسلمانان است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«جمله تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ به عنوان تعلیل جمله وَأَعِدُّوا لَهُمْ آمده است. معنای آن این است که این نیروها و امکانات دفاعی را آماده کنید تا دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید و از آنان زهر چشم بگیرید.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ۱۱۷) آیت الله مکارم شیرازی نیز در این باره می گوید: «هدف نهایی تهیه سلاح و افزایش قدرت جنگی این نیست که مسلمانان مردم جهان را نابود کنند و آبادی ها را ویران سازند؛ بلکه هدف این است که دشمنان طمع به مال، جان، و دین مسلمانان پیدا نکنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۷، ۲۲۶). در آموزش تاریخ و تربیت شهروندی، این آیه و مفهوم آن می تواند به عنوان ابزاری برای ترویج صلح و آگاهی بخشی درباره ماهیت بازدارنده جنگ در اسلام ارائه شود. این آموزش به دانش آموزان نشان می دهد که اسلام نه تنها به دنبال تجاوز و ویرانی نیست؛ بلکه به صراحت بر لزوم رعایت اخلاق و انصاف در جنگ تأکید دارد. چنین نگرشی می تواند آنان را به شهروندانی مسئول و آگاه تبدیل کند که درک درستی از عدالت و دفاع مشروع داشته باشند.

۳-۲. ممنوعیت جنگ با غیرمتجاوزان

قرآن کریم به صراحت جنگ را تنها در شرایط خاص و به عنوان دفاع از حقوق انسان ها و کیان اسلام مجاز دانسته و آن را محدود به مواردی کرده است که دشمن به مسلمانان حمله کند. این آموزه در آیات متعددی از قرآن کریم بیان شده است و نشان دهنده توجه اسلام به ارزش های اخلاقی و عدالت در جنگ است.

۴-۳-۲. محدودیت جهاد به متجاوزان

در سورة بقره آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰). این آیه تأکید می کند که جنگ در اسلام تنها برای دفاع مشروع و در برابر متجاوزان جایز است. جمله فی سبیل الله در این آیه، هدف اصلی جنگ های اسلامی را تبیین می کند. براساس این آیه، جنگ در منطق اسلام هرگز برای انتقام جویی، جاه طلبی، کشورگشایی، یا به دست آوردن غنایم نیست؛ بلکه ابزاری برای دفاع از حق قانونی انسان هاست. آیت الله مکارم شیرازی درباره این آیه می نویسد: «اسلام می خواهد به وسیله جنگ با کفار از حق قانونی انسان ها دفاع کند و از تجاوز و ظلم جلوگیری نماید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۹)

۵-۳-۲. ترجیح صلح بر جنگ

قرآن کریم صلح را همواره بر جنگ ترجیح می دهد و مسلمانان را به پذیرش صلح با دشمنان، در صورت تمایل آنان، تشویق می کند. چنان که می فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (سوره نساء، آیه ۹۰) این آیه بیان می کند که در صورت تمایل دشمنان به صلح، مسلمانان نیز باید به آن گرایش پیدا کنند و برای برقراری صلح تلاش نمایند. این دستور نشان می دهد که اسلام، جنگ را به عنوان آخرین راه حل و تنها در شرایط ضروری می پذیرد. در آموزش تاریخ و تربیت شهروندی، این مفاهیم می توانند به عنوان اصولی اخلاقی و انسانی در برخورد با دیگران به دانش آموزان آموزش داده شوند. این آیات نشان می دهند که حتی در شرایط جنگی، رعایت اخلاق و انصاف الزامی است و صلح همواره بر جنگ اولویت دارد. تربیت شهروندانی که به این اصول پایبند باشند، می تواند جوامعی متعهد به عدالت، صلح جویی، و احترام به حقوق دیگران ایجاد کند.

۶-۳-۲. اهمیت اصول انسانی در سیره پیامبر اسلام (ص)

پیامبر اسلام (ص) همواره در جنگ ها و روابط با دیگران به اصول انسانی و اخلاقی تأکید داشت. دستوراتی که ایشان به سپاهیان خود می دادند، همگی بر اساس موازین اخلاقی و انسانی بود که علاوه بر دفاع از کیان اسلام، به احترام به حقوق

انسان‌ها و رعایت اصول عدالت تأکید می‌کرد. این آموزه‌ها می‌توانند در آموزش تاریخ و تربیت شهروندی به‌عنوان اصول اخلاقی در روابط بین‌المللی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرند.

۷-۳-۲. دعوت به اسلام و اهمیت آن در سیره پیامبر اسلام

پیامبر اسلام (ص) در جنگ‌ها نیز همواره به دعوت از دیگران به اسلام می‌پرداخت. او حتی در شرایط جنگی نیز دعوت به اسلام را در اولویت قرار می‌داد. چنانکه پیامبر پیش از شروع جنگ‌های خود، به دعوت از دشمنان می‌پرداخت و کسانی را که قبلاً دعوت کرده‌بود، مجدداً به اسلام فراخواند. این رفتار نشان‌دهنده اهمیت دعوت به اسلام و اولویت آن در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی اسلام است. برای مثال، حضرت محمد (ص) حتی پس از آنکه یهودیان خیبر را دعوت کرده‌بود، به منظور تأکید بر اهمیت دعوت، سه روز سفیران خود را به نزد آنان فرستاد تا دوباره به اسلام دعوت شوند (ابن هشام، ۱۹۷۸: ج ۳، ۲۱۶). همچنین در فتح مکه، پیامبر (ص) روزی را که به‌طور معمول به عنوان روز انتقام شناخته می‌شود، رد کرده و آن را روز رحمت نامید (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۲۱). پیامبر اسلام چنان به اصل دعوت اهمیت می‌داد که در جنگ‌ها نیز ابتدا به دعوت می‌پرداخت و حتی آنانی را که قبلاً دعوت کرده‌بود مجدداً به اسلام فرامی‌خواند (دیون پورت، ۱۳۴۴، ۲۰۶-۲۰۵؛ طباطبایی، ۱۳۸۲، ۳۸۲-۳۷۶).

۸-۳-۲. اصول انسانی در جنگ‌ها

پیامبر اسلام (ص) در جنگ‌ها به رعایت اصول انسانی و اخلاقی تأکید داشت. از جمله این اصول می‌توان به عدم مثله کردن، احترام به زنان و کودکان، و جلوگیری از تجاوز به حقوق دیگران اشاره کرد (منقری، ۱۳۷۰: ۲۷۹؛ یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ۷۷). این ویژگی‌ها در سیره پیامبر اسلام به‌خوبی مشهود است و نشان‌دهنده آن است که اسلام جنگ را تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل برای دفاع از حقوق انسان‌ها می‌شمارد.

۹-۳-۲. همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان

در قرآن کریم و در سیره پیامبر اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) و مشرکان غیرمعاند تأکید شده‌است. قرآن در سوره ممتحنه (آیه ۸) به مسلمانان می‌فرماید که در برخورد با غیرمسلمانان، نیکی و محبت لازم است و در صورتی که مسلمانان با غیرمسلمانان پیمان صلح بسته‌اند، باید به آن وفا کنند و عدالت را در روابط خود رعایت نمایند. براساس این آموزه‌ها، اسلام به‌طور کلی به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران توصیه می‌کند، مگر در مواردی که دشمنان به جنگ و خشونت روی آورند. موارد مشروع جنگ در اسلام؛ در اسلام جنگ تنها در موارد خاص و به‌طور مشروع جایز است. این موارد عبارتند از: جنگ دفاعی، جنگ با مشرکان، جنگ با کفار محارب و معاند، جنگ با منافقان، جنگ با پیمان‌شکنان، جنگ برای نجات ستم‌دیدگان، جنگ برای احقاق حق‌الله و حقوق انسانی انسان‌ها. این موارد در قرآن و سیره پیامبر اسلام بیان شده‌اند و همگی بر اساس اصول انسانی، اخلاقی و دفاع از حقوق انسان‌ها تعریف شده‌اند. در آموزش تاریخ و تربیت شهروندی، این اصول می‌توانند به‌عنوان مبانی اخلاقی و انسانی در روابط بین‌المللی و تعاملات اجتماعی آموزش داده‌شوند. این آموزه‌ها می‌توانند به جوانان کمک کنند تا در دنیای پیچیده امروز، به اصول صلح، عدالت، و احترام به حقوق دیگران پایبند باشند و در تعاملات خود با دیگران، از اصول انسانی پیروی کنند.

۳. نتیجه گیری

براساس تحقیقاتی که در زمینه تربیت شهروندی و آموزش تاریخ انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که حضرت محمد (ص) در فرآیند رهبری و حکمرانی خود، اصولی چون «پیمان برادری» را به‌کار گرفت تا جامعه‌ای متنوع از نظر مذهبی،

قومی و قبیله‌ای را به یک سیستم سیاسی واحد تبدیل کند. این ابتکار، الگویی برای ایجاد ملیت اسلامی از گروه‌های مختلف و جامعه پایدار بود و در آن، افراد جامعه مسئولیت تأمین امنیت دیگران و مشارکت در حفظ مصالح عمومی را بر عهده داشتند، به شرطی که وفادار به اصول جامعه و مخالف دشمنان آن باشند. یکی از اصول مهم در این سیستم، مشارکت همگان در هزینه‌های جنگ و صلح بود. در این نگاه، افراد نه تنها از مزایای صلح بهره‌مند می‌شدند؛ بلکه مسئولیت‌های اجتماعی آنها نیز شامل تأمین هزینه‌های جنگ می‌شد. همچنین، در این جامعه، حق دادگستری و عدالت‌خواهی به حکومت سپرده می‌شد که مسئول اداره امور قضائی و سیاسی بود. در سیره حضرت محمد (ص)، صلح و جنگ به‌طور مستقل اهمیت نداشتند؛ بلکه دعوت به توحید و اصول انسانی و دینی در اولویت قرار داشت. پیامبر اسلام همواره در تلاش بود تا با روش‌های مسالمت‌آمیز مردم را به اسلام دعوت کند و از جنگ تا حد امکان پرهیز نماید. صلح‌هایی مانند صلح حدیبیه و بیعت رضوان نمونه‌هایی از نرمش قهرمانانه‌ای بودند که براساس حکمت و تدبیر آن حضرت شکل گرفتند. پیامبر اسلام همواره دفاع از کیان اسلام و مقابله با تهدیدات و فتنه‌ها را به‌عنوان اهداف اصلی جنگ‌ها در نظر می‌گرفت. از منظر قرآن کریم، جنگ‌ها تنها در شرایط خاص و برای دفاع از مسلمانان و تأمین امنیت آنها مجاز هستند. جنگ‌هایی که با هدف جاه‌طلبی یا کسب مال و ثروت نامشروع باشد، در قرآن حرام و ظلم شناخته شده‌اند. قرآن جنگ‌ها را در موقعیت‌های خاصی چون دفاع از کیان اسلام، دفاع در برابر دشمنان و نجات ستم‌دیدگان مجاز می‌داند. این نگرش قرآن کریم که جنگ‌ها را به‌عنوان ابزاری برای گسترش دین یا انتقام‌جویی نمی‌بیند، با تحلیل‌های برخی از مستشرقان که جنگ‌های صدر اسلام را ناشی از روحیه جنگ‌طلبی دانسته‌اند در تضاد است. در عوض، مستشرقان منصفی مانند جان دیون پورت و آراف بودلی، اهداف جنگ‌های پیامبر اسلام را دفاع از مسلمانان و تأمین امنیت برای آنان می‌دانند. این آموزه‌ها در حوزه تربیت شهروندی می‌تواند به‌عنوان الگوهایی برای جوانان و شهروندان امروزی به‌کار رود. این اصول نه تنها در ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و عدالت اجتماعی در جوامع مختلف مهم است؛ بلکه در روابط بین‌المللی و تعاملات میان‌فرهنگی نیز می‌تواند راهگشای دنیای بهتری باشد که در آن امنیت و وحدت اجتماعی حفظ گردد.

با توجه به یافته‌های بدست آمده و در پی پاسخ به سوال اصلی این پژوهش، می‌توان گفت که مطالعه و تبیین جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) نقش و تأثیری زیادی در مفهوم تربیت شهروندی و آموزش تاریخ ایفا کرده‌اند و سیره نبوی در این زمینه توانسته الگویی مناسب و مفید برای تقویت تربیت شهروندی، آموزش تاریخ و دستیابی به صلح پایدار ارائه دهد و مطالعه و تبیین این جنگ‌ها دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای در رسیدن به سوال و هدف مورد نظر بوده و هستند.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن کثیر (۱۴۰۸ق) البدایه والنهایه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن هشام (۱۹۷۸م) السیره النبویه، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه.
۴. احمد العلی، صالح (۱۳۸۵) دولت رسول خدا، ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق) مکاتیب الرسول، قم: دار الحدیث.
۶. ادیبی سده، مهدی (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای مسلح، تهران، دانشگاه صنعتی اصفهان و سمت.
۷. استیرن، فرانسوا (۱۳۸۱) خشونت و قدرت، ترجمه بهنام جعفری، تهران، وزارت امور خارجه.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، نظریه‌های جدید در علوم سیاسی، تهران، نشر علوم نوین.
۹. بودلی، ر.ف (۱۳۲۶) الرسول، حیاة محمد، ترجمه عبدالحمید حوده السحار محمد محمد فرج، مصر: للجامعین.

۱۰. بلیس، جان و بوث، کن و دیگران (۱۳۷۳)، استراتژی معاصر، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
۱۱. تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۷) تصویر پیامبر در دایره‌المعارف آمریکانا، قم: موسسه شیعه‌شناسی.
۱۲. جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۸) تصویر حضرت محمد (ص) و حضرت زهرا (س) در دایره‌المعارف اسلام، قم: شیع شناسی.
۱۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸) تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کیمبریج)، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.
۱۴. جهانگللو، رامین (۱۳۷۸)، اندیشه عدم خشونت، ترجمه محمد رضا پارسانیا، تهران، نی.
۱۵. خدوری، مجید (۱۳۳۵)، جنگ و صلح در حقوق اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: اطلاعات.
۱۶. خوئینی، علی آل اسحق (۱۳۷۰) اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. دوئرتی، جیمیز و فاتزگران، رابرت (۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس.
۱۸. دیون پورت، جان (۱۳۴۴)، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، ملکه جهان‌بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، احیا کتاب.
۲۰. السعدی، اسحاق بن عبدالله (۱۴۲۶ق) تمیز الامه الاسلامیه مع دراسة نقدیه لموقف المستشرقین منه، عربستان، جامعه الامام محمد بن سعود.
۲۱. سعید، ادوارد (۱۳۷۱) شرق شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. قم: نشر دفتر فرهنگ اسلامی
۲۲. سیدقطب (۱۴۰۲ق) فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۲۳. شوقی ابوالخلیل (۱۳۵۵) اسلام در زندان اتهام، ترجمه حسن اکبری مرزناک، تهران، بعثت.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق.) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۷۵)، خواجه نظام الملک، تهران، طرح نو.
۲۶. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۲)، جدال قدیم و جدید- تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا، تهران، نگاه معاصر.
۲۷. طه حسین (بی‌تا)، آیینة اسلام، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت سهامی انتشار
۲۸. کاشف الغطاء، شیخ جعفر (بی‌تا) کشف الغطاء، بی‌جا: مهدوی اصفهانی
۲۹. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶)، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم.
۳۰. کلی، جان (۱۳۸۳)، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
۳۱. کوستر، جرج اچ (۱۳۸۱)، رویکرد نظامی در مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، گردآوری و ترجمه اصغر افتخاری، تهران: مطالعات راهبردی.
۳۲. لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۷) تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: اطلاعات.
۳۳. م، ساواری (۱۳۴۹) محمد ستاره‌ای که در مکه درخشید، ترجمه عنایت الله شکیاپور، تهران: فرخی.

۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق) بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۵. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۰۱) امتاع الاسماع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی و محمد جمیل غازی، قاهره: دارالانصار.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۴) تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۷۰) پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۸. وات، ویلیام مونتهگمری (۱۳۷۱) برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان (تفاهمات و سوء تفاهمات)، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۹. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹) المغازی، تحقیق مارسون جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعه.
۴۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا) تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی